

فصلنامه ی مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال ششم، شماره ی بیست و یکم، زمستان ۱۳۹۳ (صص: ۱۶۷-۱۵۱)

پژوهشی تطبیقی در ساختار کالبدی - فضایی باغ ایرانی

در دوران صفوی و گورکانیان هند

دکتر سیدرسول موسوی حاجی* دکتر عابد تقوی** ثریا شریفی نژاد***

چکیده

در میان جلوه های گوناگون هنر معماری ایران، باغ ایرانی با ظاهری آکنده از سادگی و طراوت بر پایه اصولی مشخص و بنیادین، نمایش نمادینی از بهشت موعود است. هنرمند معمار با تکیه بر اصول اولیه معماری ایرانی و آگاهی از شرایط اقلیمی و توانمندی های طبیعی مناطق مختلف و با الهام از توصیفات متون مقدسی چون قرآن کریم پیرامون باغ های بهشت، باغ ایرانی را خلق می کند. در این میان، با افزایش روابط فرهنگی ایران و هند به خصوص در دوره های تیموری و صفوی، باغ ایرانی نیز همچون سایر ارکان معماری ایرانی، الگوی هنرمندان هندی قرار می گیرد که تجلی این تاجر در قلمرو معماری گورکانیان به وضوح قابل مشاهده است. در این پژوهش با بررسی هندسه ی باغ و برخی عناصر طبیعی و مصنوع مشخص گردید که باغ های عصر صفوی با ورود به هند در عصر گورکانی، بستری متفاوت، شکلی خاص و متمایز با تاکید بر هنر بومی را به نمایش می گذارند.

کلیدواژه ها: باغ ایرانی، ساختار کالبدی - فضایی، صفویان، گورکانیان هند.

۱- مقدمه

از دیرباز، باغ ایرانی همچون دیگر عناصر هویت بخش فرهنگ ایرانی، الگویی

*Email: r.mousaviahaji@umz.ac.ir

دانشیار گروه باستان شناسی دانشگاه مازندران

**Email: abedtaghavi@gmail.com

استادیار گروه باستان شناسی دانشگاه مازندران

***Email: soraya_sharifi@ymail.com

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان شناسی دانشگاه مازندران

شایسته برای معماری مناطق همجوار به شمار می‌آمده است. از حوزه‌های فرهنگی که با ایران، دارای روابط سیاسی و فرهنگی طولانی مدتی بوده‌اند، می‌توان به سرزمین باستانی هند اشاره کرد. یکی از نتایج این ارتباط دیرین تاریخی، ترکیب موفقیت‌آمیز بناسازی ایرانی و هندی است که در درخشندگی و شکوه معماری هندو اسلامی تجلی یافته است (گروبه و دیگران، ۱۳۷۹: ۲۶۵). در بیشتر تحقیقات انجام شده، مسائل کلی معماری و تحولات شکلی باغ‌ها مورد توجه بوده است و واکاوی علل تغییرات شکلی و تاثیر متغیرهای مختلف در سازمان‌یابی فضایی باغ‌ها در نظر گرفته نشده است. این تحقیق با محور قرار دادن پرسش‌های زیر می‌کوشد تصویری روشن از تحولات باغ‌سازی ایرانی در هند ارائه دهد:

الف- مهم‌ترین تغییرات در نظام‌ساختاری و فضایی باغ‌های عصر صفوی و هند در عصر گورکانی چه بوده است؟ ب- افزون‌براین، متغیرهای مؤثر در ایجاد این تغییرات شامل چه مواردی بوده‌اند؟ در پاسخ به سوالات این فرض مطرح می‌گردد که ایران عصر صفوی و هند عصر گورکانی در زمینه‌ی اجزاء بصری باغ (عناصر مصنوع و طبیعی) در اصول کلی پیرویک قاعده‌اند، اما در جزئیات دارای تفاوت‌هایی هستند که از نظر زیبایی‌شناختی، ویژگی‌های قابل توجهی را به نمایش می‌گذارند. مولفه‌های مؤثر در ایجاد این تغییرات نخست، شامل عوامل درونی و بومی و در پی آن شامل عوامل بیرونی است که خود در برگرفته‌ی یک سری عوامل متعددی است که بر مصالح و شیوه‌های اجرایی، هنر بومی، انواع نقوش تزئینی و سایر جنبه‌های معماری تاثیر گذاشته است.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

مطالعات و گزارش‌هایی که در ارتباط با این موضوع صورت گرفته را می‌توان در دو حوزه مورد بررسی قرار داد: دسته اول رویکرد تاریخی است که در آن به ویژگی‌های تاریخی، دوره بندی زمانی باغ‌سازی ایرانی و سیر تحول معماری پرداخته‌اند انصاری، (۱۳۷۸). پیرنیا، (۱۳۷۳). دسته دوم رویکرد معماری است که در آن محققان ایرانی اغلب با تکننگاری در زمینه‌ی باغ‌های ایرانی، به عوامل

شکل‌گیری، گونه‌شناسی، عملکرد و نیز هندسه و ساختار فضایی باغ ایرانی پرداخته‌اند آریان‌پور، (۱۳۶۵). شاه‌چراغی، (۱۳۸۹). حیدرنتاج، (۱۳۸۰). خوانساری، (۱۳۸۳). ویلبر، (۱۳۴۸). از سویی دیگر، پژوهش‌های محققانی نظیر شیمیل، (۱۳۸۶). کخ، (۱۳۷۳). کوثر، (۱۳۸۹) قابل تأمل‌اند. ایشان در ذیل معرفی تاریخ فرهنگ و تمدن فرمانروایان مغولی در هند در فصلی مجزا به باغ‌های گورکانیان هند با تأکید بر جنبه‌های زیباشناسانه آن پرداخته‌اند.

۳- مطالعه تطبیقی ساختار هندسی باغ ایرانی و هندی

الگوی سامان‌دهی طبیعت در باغ ایرانی، الگویی چهارقسمتی است با دو جوی آب متقاطع و حوضی در مرکز که از آن، نظام هندسی، نظام کاشت و نظام آب تبعیت می‌کنند. بیشتر محققان بر این باورند که این الگوی چهارقسمتی را که به عنوان الگوی چهارباغ نامیده می‌شود، می‌توان یک کهن‌الگو دانست (شاه‌چراغی، ۱۳۸۹: ۱۱۱). هنوز به طور دقیق مشخص نیست که نخستین بار واژه‌ی چهارباغ از چه زمانی در فرهنگ معماری باغ مورد استفاده قرار گرفت، به روایتی کلمه‌ی باغ و چهارباغ در دوره‌ی سلجوقی وارد ادبیات زبان فارسی شد. همانند مساجد چهارایوانی، مدارس چهارایوانی و کاروان سراهای چهارایوانی. بر این اساس، چهارباغ نیز از نوآوری‌های این عصر در نظر گرفته شده است (حیدرنتاج، ۱۳۸۹: ۱۲۷). هروی در روضه‌ی هشتم کتاب ارشاد الزراعه در وصف چهارباغ این چنین بیان کرده است:

"...طرح آن است که گرد چهارباغ را از پای دیوار سه ذرع گذاشته بعد از آن یک ذرع جوی سازند و کنار جوی که از جانب دیوار است، سفیددار سمرقندی نزدیک یکدیگر کارند که خوش نماست" (هروی، ۱۳۵۶: ۲۸۰).

شاخص‌ترین مولفه انتظام مرکزی در باغ‌های ایرانی را می‌توان منتسب به باغ‌های اصفهان در عصر شاه عباس اول صفوی دانست. زیرا دو ویژگی اساسی طرح اصلی شاه عباس در باغ‌سازی یعنی چهارباغ و میدان نقش جهان مورد توجه قرار گرفت (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۵۶). در برخی از نسخه‌های خطی، فلسفه وجودی

شکل چهارباغ را با نظم کیهان‌شناختی مرتبط دانسته‌اند و براین باورند که چهارباغ نماد و بیان جهانی در چهار قسمت است که همراه با نقطه‌ای برجسته در مرکز آن قرار داشته است. شایان ذکر است که با بررسی در بسیاری از باغ‌های ایرانی و هندی، این طرح اجرا شده است (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۶۷۳). ساختار کالبدی باغ‌های مغولی نیز اغلب دارای نظم هندسی در بخش‌های اصلی و در زیربخش‌ها بوده است. چهارباغ پارسی به عنوان الگویی برای پیاده‌سازی نقشه‌های باغ‌ها در این دوره به کار گرفته شد (کوثر، ۱۳۸۹: ۶۷). عقیده ساخت چنین باغی، از سرزمین‌های تیمور برخاست. این مفهوم در دوره‌ی گورکانیان نیز پیگیری شد و در مورد باغ‌های آرامگاهی و تفریحی هم مورد تقلید قرار گرفت. باشکوه‌ترین نمونه‌های قابل اشاره در لاهور، دهلی، آگره و کشمیر قابل مشاهده‌اند (گروبه و دیگران، ۱۳۷۹: ۲۷۳). به تعبیری دیگر، سنت باغ‌سازی، نقطه‌ی عطفی در معماری تدفینی هند شد (همان، ۲۶۵). آرامگاه همایون در بخش میانی باغی مربع شکل قرار داشته است. در این باغ نیز به شیوه‌ای شبیه چهارباغ ایرانی، فضاهای احداثی به نه بخش کوچکتر تقسیم شده است. باغی که پدید آمده، احتمالاً اشاره تلویحی به باغ بهشت است که در انتخاب شکل هشت‌بهشت دیده می‌شود (بلرو بلوم، ۱۳۹۰: ۶۹۹). طرح اولیه باغ کشمیر از چهارباغی با دو تراس که محاط بر یک آبراهه‌ی مرکزی است، شکل یافته است. در باغ لاهور هم، تراس مستطیلی که بین آن‌ها قرار گرفته، پیچیدگی بیشتری به فضا داده است (کخ، ۱۳۷۳: ۱۱۶). این باغ میراث سنت معماران ایرانی در هند است، به طوری که پلان طراحی شده شیخ بهایی در باغ زیبای فین کاشان الگویی برای باغ شالیمار لاهور شد (هیأت مولفین، ۱۳۸۴: ۳۴۶). اگرچه درجه پختگی میراث معماری باغ ایرانی را در بهترین نمونه از الگوی چهارباغ در بنای معروف تاج محل در آگره می‌بایست دید (کونل، ۱۳۶۸: ۲۱۵). نگارندگان بر اساس شاخص‌های سه‌گانه نظام کاشت، آبیاری و عمارت‌های احداثی در باغ به مطالعه تطبیقی ساختار هندسی باغ در دو حوزه فرهنگی ایران و هند پرداخته‌اند که در ذیل به آن اشاره شده است.

۱-۳- نظام کاشت

ایران مانند بیشتر کشورهای اسلامی در مناطق گرم و خشک قرار دارد. اما با این وجود، احترام به فضای سبز بنابر باورهای عمیق ایرانیان باستان باعث شد تا حفظ منظر طبیعی درختان و بوته‌ها از مهم‌ترین ویژگی‌های باغ‌آرایی در ایران به شمار رود. نظام کاشت بر چشم‌انداز محور اصلی در راستای محل قرارگیری کوشک استوار است و بر جهت دید و حرکت در محور اصلی تأکید دارد (شاه چراغی، ۱۳۸۹: ۷۱). در حالی که نقش درخت برای ایجاد سایه، حفظ رطوبت در محیط هند ضرورتی اساسی به شمار نمی‌آمده و به همین دلیل از کاربرد درختان بلند و سایه‌دار و به طبع تشدید پرسپکتیو در راستای طولی باغ پرهیز شده است (انصاری، ۱۳۸۹: ۱۰). بازتاب این مسأله به روشنی در طرح قالی‌های هندوستان آشکار است. در نقوش ارائه شده، انواع درختان با سرسبزی کمتری از قالی‌های ایران نقش شده‌اند و تراکم شاخه‌ها و شکوفه‌ها در سطح پایین‌تری از نمونه‌های مشابه در ایران را نشان می‌دهند (احمدی پیام و شیرازی، ۱۳۹۰: ۴۶).

رعایت نظم هندسی در کاشت درخت‌ها تابع سامانه آبیاری و هدایت منابع آب در باغ بوده است (شاه چراغی، ۱۳۸۹: ۱۳۶). در بخشی از باغچه‌ها انواع گیاه و سبزی و در قسمتی دیگر درختان میوه کاشته می‌شد و در بخش‌هایی دیگر به متنوع‌ترین گیاهان زینتی برخورد می‌کنیم که از آن جمله می‌توان به گل سرخ‌های چینی و ایرانی، سه‌گونه گل یاسمن، بیدمشک اشاره کرد. برای حاشیه‌ی باغ‌ها درختان چنار و سرو کاشته می‌شد و درخت صنوبر را برای ردیف‌های خارجی در نظر می‌گرفتند (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۶۷۷). سرو به دلیل مقاومت در مقابل بی‌آبی بیشتر از هر درخت دیگر موردپسند ایرانیان بوده است (نوایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۴۰). در کشمیر هند، گل‌های متفاوتی مثل گل سرخ که چند قسم است، سوسن، بنفشه خودرو، یاسمن و چمپه بسیار معطر به وفور مشاهده می‌شود (جهانگیر گورکانی، ۱۳۵۹: ۳۳۹). در نسخه‌های مصور بابرنامه، تصویری از بابر به نمایش درآمده که

در حال نظارت بر کار باغبانان است. در این تصویر، باغبانانی در حال کندن زمین و کاشت نهال، پخش بذر و تخم هستند (شیمل، ۱۳۸۶: ۳۵۳).

۳-۲- نظام آبیاری

از دوران ایران باستان، معماری همراه با آب و در دامن طبیعت، همزیستی مسالمت‌آمیزی را تجربه کرده‌اند (اخوت، ۱۳۹۱: ۳۹) و در مبانی اعتقادی دین اسلام نیز، جلوه‌های مختلفی از آب به کرات، تکرار شده است و به اهمیت و ارزش آن در متن کلام خداوند اشاره شده است. سرزمین هند هم با وجود آب و هوای مناسب، رودخانه‌های وسیع، دارای ریشه‌های فرهنگی غنی و در خور توجه نسبت به قداست آب است (انصاری، ۱۳۸۹: ۹). این امر نشانگر اهمیت مفهومی آب در نزد هر دو فرهنگ است، در حالی که از نظر کارکردی با توجه به وضعیت اقلیمی این دو سرزمین، تفاوت‌هایی نیز دیده می‌شود. اغلب باغ‌های ایران به خصوص در مناطق کویری و مرکزی با سامانه قنات سازمان یافته‌اند. هدایت آب از طریق قنات و انتقال آن به باغ‌های کویری نشان از مدیریت بهینه معماران ایرانی در نظام آبیاری و آبرسانی بوده است (اخوت، ۱۳۹۱: ۴۵). از مشخصه‌های مهم باغ در زیست‌بوم خشک ایران، تمایل به نمایش آب در سطحی گسترده در معماری بوده است. نمونه‌ی معماری آن، بازی با آب به روش سینه‌کبکی با مصالح سنگ مرمر است. در این روش، حوض و سرسره را به صورتی می‌تراشیدند تا موج ایجاد کند و با این تدبیر حجم اندک آب را، با حجمی بیشتر نشان دهد (محمودنژاد و صادقی، ۱۳۸۸: ۴۲). ولی نظام آبیاری در باغ‌های هندی، شکلی متفاوت را به نمایش می‌گذارند. شماری رودخانه‌ی پرآب و بزرگ موجب شده تا طراحان عمارات و کوشک‌ها را در کنار رودخانه‌ها مکان‌گزینی کنند. ساخت عمارت مزار تاج‌محل در کنار رودخانه‌ی جَمنا در تداوم این سنت طراحی نمونه قابل‌ملاحظه‌ای است (سلطان‌زاده، ۱۳۷۸: ۵۶). در توسعه‌ی آگرا، به عنوان شهری که باغ‌هایی در کنار رودخانه قرار داشت، این مسأله در اولویت اجرا قرار گرفت (کخ: ۱۳۷۳: ۸۶). به

همین دلیل حضور آب که نقشی اساسی در طراحی باغ ایرانی دارد، با توجه به شرایط اقلیمی هند در محور اصلی باغ هندی و دیگر محورهای آن کم‌رنگ بوده، به‌گونه‌ای که جوی آب باریک میان محور پیاده‌روی باغ در مقایسه با سطوح سخت پیرامون آن تنها جلوه‌ای تزئینی و مینیاتوری داشته و از صلابت محور عریض و سخت باغ نمی‌کاهد، (رضاپور، ۱۳۹۳: ۲۷). از سوی دیگر آب در باغ‌ها هر یک به اشکال مختلف، خود به نحوی در متعادل ساختن درجه حرارت هوا، تأمین رطوبت نسبی برای گیاهان و ایجاد طراوت، بسیار موثر واقع می‌شد. به همین منظور در اقلیم خشک ایران، آب جاری از جایگاه خاصی برخوردار بوده است و بنا به شیب آرام یا خروشان، از میان آبراهه‌هایی می‌گذشت. با آهنگی یکنواخت سرریز می‌شد و از فواره‌های بی‌شماری می‌جوشید (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۶۷۲). لیکن در سرزمین هند علی‌رغم حضور بسترهای آب به اشکال گوناگون جوی‌ها، نهرها، حوض و آب‌نماها، استخر، نمایش آب شکل ساکن به خود گرفته است.

۳-۳- عمارت‌های احدائی

کوشک یا عمارت درون باغ از جمله عناصر کالبدی باغ‌های ایرانی- هندی است. کارکرد اصلی این نوع بناها، ایجاد امکان تماشای مناظر باغ و محوطه‌های اطراف از ارتفاعی بالاتر بوده است (علایی، ۱۳۸۷: ۶۳). اغلب، کوشک‌ها بر روی سکو و بخش میانی دریاچه یا برکه‌ها ساخته می‌شد. به طور مثال در اصفهان عصر صفوی، در طول خیابان هزارجریب، نهری قرار داشت که از کوشک تا پل ادامه داشته و آب آن از جویباری تأمین می‌شد که از کوشک بیرون می‌آمد (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۶۵). در هند نیز کوشک‌ها در نقاط مرکزی قرار داشته و گذرگاه‌هایی که با مرمر فرش شده‌اند، از میان استخرهای آب‌نما دار می‌گذشت (فلچر، ۱۳۸۸: ۱۳۹). نکته‌ای که در باغ‌سازی هندی اهمیت دارد این که بنا و عناصر مصنوع نسبت به طبیعت از اهمیت بیشتری برخوردار بوده‌اند. در

جایی که معماران تیموری در طاق‌بندی بدیع و تغییر فضاهای داخلی نقشی درخور داشتند، فضاهای داخلی مقبره‌ی همایون با شکلی منظم و تا حدودی کلیشه‌ای و قالبی ساخته شده بود، زیرا عظمت بیرونی آن بیشتر مد نظر قرار داشت (بلرو بلوم، ۱۳۹۰: ۶۹۹) و مقیاسی عظیم و باشکوه در معماری این دوره، معیاری بارز برای طرح‌های سلطنتی پس از آن گردید. در ایران، علی‌رغم گسترش ساخت کوشک در باغ، مقیاسی انسانی جایگزین کاخ‌های عظیم پیش از آن شد. رنگ غالب در عمارت‌ها بیشتر رنگ سرخ است که یادآور رنگ خیمه‌های امپراطوری مغولان بوده است، اما در تزئین بنا، انواع سنگ‌های مرمر سیاه، سفید و گرانبهای رنگین به کار گرفته شد. این درحالی است که همزمان در ایران عصر صفوی، عناصر تزئینی بیشتر با کاشی معرق و هفت رنگ تزئین می‌شد (پورجعفر، ۱۳۸۳: ۸۳). در کوشک‌های هندی مرمر نه تنها تشکیل دهنده‌ی نمای بنا، بلکه به عنوان مصالح اصلی در ساخت بنا کاربرد داشته است (پاپادوپولو، ۱۳۶۸: ۹۲). اما در دوره‌ی صفویه اغلب در قالب آجر و خشت تجلی یافته است و همین امر تفاوت در طرح‌های تزئینی را در برمی‌گرفت.

۴ - عوامل موثر در تغییر مؤلفه‌های باغ‌سازی ایرانی در عصر گورکانیان هند

با مطالعه تطبیقی و بیان وجوه افتراق و اشتراک میان باغ‌سازی ایرانی و هندی در دو دوره مورد مطالعه در این تحقیق، روشن شد که حکومت گورکانیان هند تحت تأثیر عوامل متعددی، تغییراتی در ارکان باغ‌های هندی به وجود آوردند. به طور کلی، فضاهای معماری در باغ‌های هندی عصر گورکانی، تحت تأثیر دو گروه از عوامل شکل گرفتند. نخست، مجموعه عوامل درونی و بومی، مانند فرهنگ و الگوهای رفتاری، مصالح محلی، شرایط اجتماعی و سیاسی داخلی حاکم بر جامعه. عامل دوم شامل مؤلفه‌های تاثیرگذار بیرونی مانند نفوذ مؤلفه‌های فرهنگی و سیاسی خارج از قلمرو فرهنگی هند که بیشتر با الهام از معماری صفویان بوده است. در ذیل به پنج عامل اصلی شامل هنرهای بومی، ادیان غیراسلامی و اسلامی،

زنان بانفوذ دربار و شیوه زندگی کوچ‌نشینی اشاره شده است که زمینه‌ساز تغییرات اساسی در ساختار باغ در هندگردید.

۱-۴- هنر بومی

آن چه در هنر بومی هند ضرورت دارد اصالت و نیروی جاری در اثر معماری است که از درون می‌جوشد و همچون گردش فصول در عین مشابهت، در هر نوبت طرحی تازه را داراست. هرچند سبک‌های هنری در اسلام به وسیله فاتحین وارد این نواحی شد و سنن هنری همزمان هند را در جایی که نتوانست با سخت‌گیری‌های مذهبی مسلمانان درافتد، جذب کرد، ولی در عین حال، دلایلی نظیر تئوکراتیک بودن حکومت‌های مسلمان و هندو در هند، زمینه‌ی تاثیر هنر هندو را برای فاتحین فراهم آورد. لازمه‌ی هر پیروزی برای مسلمین، تخریب معابد سلطنتی سلسله‌های مغلوب هندی و ساخت اماکن بزرگ زیارتی و برپایی مساجد و نمادهای پیروزی اسلام بود لیکن فتوحات پی در پی مسلمانان فرصت مناسبی را برای طراحی و ساخت بناها فراهم نمی‌ساخت. به همین منظور، ستون‌ها، درب‌ها و سقف‌های معابد ویران نشده پس از محو آثار پیکره‌تراشی‌ها، به مسجد تبدیل می‌شدند و به رواج دوباره نقش‌مایه‌های هندو در هنر اسلامی می‌انجامید. از سوی دیگر، سنت حفر معابد در دل سنگ‌های یک پارچه تقریباً از ویژگی‌های منحصر به فرد فرهنگ بومی هند می‌توان دانست که این مسأله در معماری اسلامی کوشک‌ها با ترکیب دو سنگ مرمر و ماسه سنگ سرخ، پیوندی ناگسستنی یافت.

۲-۴- ادیان غیر اسلامی

تاج محل، باغ مزاری با خاستگاه هندو ایرانی است که به خاطر پنج گنبد روی بنا تجلی پنج الهه‌ی هندو یعنی برهما، ویشنو، شیوا، گانش، و سوریاست. استادان سازنده این بنا، بر اصل شیلپاشاستراسکه در واقع راهنمای مجسمه‌سازی، معماری و سایر مهارت‌هاست آگاه بودند. حضور نمادین لوتوسهم به صورت واژگون بر روی این پنج گنبد که نمادی از خدایان بودایی است، (تصویر ۱) تأکیدی است

بر این موضوع. مقابر احدائی در درون یک باغ که در حال اوج گیری به صورت مثلی است، آشکارا نشان دهنده تأثیر هنر بودیزم و هندوئیسم در معماری اسلامی هند است. بنابراین، اگر برای این آرامگاه‌ها شکل هرم تعیین شده است، مسلماً نه تصادفی بوده و نه ناشی از تأثیرپذیری از اهرام ثلاثه در مصر، چرا که به عقیده‌ی افلاطون، این مثلث‌ها و شکل هرم، نمایانگر عنصر آتش اند. از آنجایی که اکبرشاه با گردآوری علمای کلام، عرفا، مزدائیان، پاندیت‌های هند و فیلسوفان، به این مسائل پی برد، منطقی نیست، این برداشت حاصل گردد که شکل هرم، دقیقاً برای نمایاندن آتش مورد نظر بوده است. نشانه‌ی آتش، تل هیزمی است که هندوان مردگان خود را در آن می‌سوزانند. به این ترتیب اکبر برای پدرش، همایون و شاه جهان برای همسر محبوبش، ترجیح می‌دادند که اجساد آنان را در مرکز هرم‌هایی قرار دهند.

۳-۴- ادیان اسلامی

بدون شک در سرزمین باستانی هند است که شدیدترین تضاد بین معماری محلی و آرمان‌های هندی فاتحان مسلمان وجود داشته است. علمایی که افکار اصلاح طلبانه و تبیین‌گر اهداف آرمانی جهان اسلام بودند، در بیشتر موارد از حکومت گورکانی به دلیل برخورداری از فرهنگی جهان وطنی و شاهانه و به خدمت گرفتن نخبگان هند و وفاداری‌های قومی و اجدادی انتقاد می‌کردند. رواج چنین اندیشه‌ای در دوران پادشاهی اورنگ‌زیب به صورت اشکال و نمادهای شیعی مورد تأکید قرار گرفت. آن به نوعی، نشان‌دهنده‌ی بیان هویتی مجزا از فرهنگ مغولان سنی مذهب بوده است.

۴-۴- زنان بانفوذ دربار

اسناد و مدارک تاریخی، گواه نفوذ بانوان دربار سلطنتی در ساخت سیاسی قدرت هند است. بانوان دربار بیشتر، نقش خویش را در حمایت از ساخت آثار معماری، ترویج هنر، توسعه علم و همچنین در مذاکرات دولتی ایفا می‌کردند. زنان

نیز مانند فرمانروایان، در زمان حیات و پس از مرگشان، مفتخر به عناوین افتخاری می‌شدند. برای درک جایگاه سیاسی- اجتماعی زنان در دربار مغول باید خاطر نشان ساخت که زنان در مناطق آسیای مرکزی که خاندان تیمور از آن‌جا برخاستند، آزادانه‌تر و فعالانه نسبت به زنان مناطق مرکزی جهان اسلام نقش آفرین بودند. به طور مثال، می‌توان به جهان‌آرا اشاره کرد که در اشتیاق پدرش (شاه جهان) در ساختمان‌سازی مشارکت جدی داشت و سنت حمایت بانوان گورکانی در مورد ساختمان‌سازی را به اوج رسانید.

۴-۵- شیوه‌ی زندگی کوچ‌نشینی

باغ‌های ایرانی در هند در بستری از فرهنگ و اقلیم با تغییر رویکرد زندگی از سبک چادرنشینی به استقرار دائم شکل گرفت. تمایلات ذاتی سلاطین گورکانی برای زندگی کوچ‌نشینی در طبیعت و نیز روحیات آنان به عنوان یک سرباز جنگجو باعث می‌شد که زندگی در چهارباغ را به گذراندن اوقات در یک قصر محدود و سر بسته ترجیح بدهند. بابر در کابل به خاطر فصل سرد و سخت زمستان اجباراً در قصر اقامت می‌گزید و سپس با آمدن بهار به تبعیت از سبک زندگی آسیای میانه در اردوهای خود در چراگاه‌ها و باغ‌های اطراف شهر روزگار می‌گذراند. اکبر نخستین بار با فتح پورسیکری، دستور ساخت شهری عظیم را داد. این شرایط و علاقه‌ی زیاد پادشاهان به فضای سبز، توسعه‌ی باغ‌سازی در سطحی گسترده از سرزمین هند را به همراه داشت. به طوری که شاهد پراکندگی جغرافیایی باغ‌ها در این سرزمین هستیم. از سوی دیگر، گرایش به این سبک زندگی (کوچ-نشینی) و استفاده از چادر به منظور اقامت کوتاه‌مدت، منجر به ایجاد گونه‌ای خاص از کوشک شد که به طور متناوب به وسیله‌ی ایوان‌های باز و اتاق‌های بسته (تصویر ۲) در شکلی سیار مورد استفاده قرار می‌گرفت.

نتیجه

باغ ایرانی در عصر صفویه، خود مفهومی نقش بسته بر سرزمین و برآمده از فرهنگ و آیین‌های کهن ایرانی است. با تسلط گورکانیان بر شبه قاره هند، باغ ایرانی به عنوان الگویی مناسب همراه با حاکمان جدید وارد سرزمین هند شد و مراودات و پشتیبانی‌های سیاسی حکومت صفویه از پادشاهان مغول در هند، باعث توسعه و تداوم فرهنگ ایرانی در هند به ویژه در زمینه باغ‌سازی شد. با توجه به مطالعات انجام گرفته، نقش رو به گسترش باغ به منزله‌ی مکانی تدفینی در هند عصر گورکانی، حاکی از آن است که چگونه در فعالیت روزمره‌ی سلطنتی، افزایش اهمیت نمادین باغ با کاهش اهمیت کارکردی‌اش همگام بوده است و جایگاه خود را به عنوان تمثیلی از بهشت موعود در باغ‌سازی آرامگاهی هند یافت. علی‌رغم بستر متفاوت جغرافیایی هند، شاهد اشتراکاتی در ساختار هندسی و پیروی از الگوهای معماری در دو کشور هستیم. توجه به عناصر بررسی شده در دو دسته از باغ‌های ایرانی و هندی و وجود تفاوت‌های قابل توجه در آن‌ها، نقش موثر مولفه‌های درونی و بومی و عوامل تاثیرگذار بیرونی در شکل‌گیری باغ و مفاهیم منظرسازی را انکارناپذیر می‌سازد.

نتیجه تحقیق مبین این موضوع است که عوامل یاد شده موجب شد تا باغ-سازی گورکانیان در هند به سوی معماری خاص این سرزمین سوق پیدا کرده و در روندی خلاق با سنت‌ها و شرایط محلی ساختمان‌سازی عجین گردد و الگویی منحصر به فرد از باغ هندی را به منصه ظهور برساند.

منابع

- ۱- احمدی پیام، رضوان و شیرازی، علی اصغر، بررسی نقش درخت در قالی های ایران و هندوستان، فصلنامه نگره، شماره ۱۹، صص ۴۳-۵۸، ۱۳۹۰.
- ۲- اخوت، هانیه السادات، بیان آب در معماری منظر، تهران، نشر طحان، ۱۳۹۱.
- ۳- انصاری، مجتبی، باغ ایرانی منظر زبان مشترک منظر در ایران و هند، فصلنامه علمی- ترویجی منظر، شماره ۱۳، صص ۶-۱۱، ۱۳۸۹.
- ۴- بلر، شیلا و بلوم، جاناتان، هنر و معماری اسلامی (۲)، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: سمت، ۱۳۹۰.
- ۵- پایادوپولو، الکساندر، معماری اسلامی، حشمت جزئی، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجا، ۱۳۶۸.
- ۶- پوپ، آرتور آپهام و اکرم، فیلیس، سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز، نجف دریابندی و دیگران، جلد سوم، تهران: انتشارت علمی فرهنگی، ۱۳۸۷.
- ۷- پورجعفر، محمدرضا، بررسی ریشه هم نهادی هنر معماری منطقه ایران و هند، فصلنامه فرهنگستان هنر، شماره ۲۱، صص ۷۵-۸۸، ۱۳۸۳.
- ۸- تاورنیه، ژان باتیست، سفرنامه تاورنیه، ترجمه حمید شیرانی، تهران: نشر نیلوفر، ۱۳۸۳.
- ۹- جهانگیر گورکانی، نورالدین محمد، جهانگیر نامه، تصحیح: توزک جهانگیری، جلد ۱، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۹.
- ۱۰- حیدرنتاج، وحید، باغ ایرانی، دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۸۹.
- ۱۱- رضاپور، لیلا، نقش سطوح سخت در منظره پردازی باغزارهای ایرانی هند، فصلنامه هنر و تمدن شرق، شماره ۳، ۱۳۹۳.
- ۱۲- سلطانزاده، حسین، تداوم طراحی باغ ایرانی در تاج محل: آرامگاه بانوی ایرانی تبار، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۷۸.
- ۱۳- سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۲.

- ۱۴- شاه چراغی، آزاده، **پارادایم های پردیس** (درآمدی بر بازشناسی و بازآفرینی باغ ایرانی)، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۹.
- ۱۵- شیمیل، آنه ماری، **در قلمرو خانان**، علی فرحی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۶.
- ۱۶- علایی، علی، **کوشک های مطبق در باغ های ایرانی**، فصلنامه گلستان هنر، شماره ۱۱، صص ۶۱-۷۵، ۱۳۸۷.
- ۱۷- فلچر، بنیستر، **معماری اسلامی**، سمانه قرائی، تهران: نشر مقدس، ۱۳۸۸.
- ۱۸- کخ، ابا، **معماری هند در دوره ی گورکانیان**، حسین سلطان زاده، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۷۳.
- ۱۹- کوثر، سجاد، **مفهوم منظرسازی در دوره ی گورکانیان**، آزاده پشتوتنی زاده، ماهنامه کتاب ماه هنر، صص ۶۵-۷۹، ۱۳۸۹.
- ۲۰- کونل، ارنست، **هنر اسلامی**، هوشنگ طاهری، انتشارات توس، ۱۳۶۸.
- ۲۱- گروبه، ارنست و دیگران، **معماری جهان اسلام: تاریخ و مفهوم اجتماعی آن**، یعقوب آژند، تهران: نشر مولی، ۱۳۷۹.
- ۲۲- محمودی نژاد، هادی و صادقی، محمدرضا، **باغ ایرانی از منظر بهشت قرآنی**، تهران: نشر طحان، ۱۳۸۸.
- ۲۳- نوایی، کامبیز و دیگران، **خشت و خیال: شرح معماری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰.
- ۲۴- هروی ابونصری، قاسم بن یوسف، **ارشاد الزراعه**، جلد ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۶.
- ۲۵- هیات مولفین، **تاریخ ایران (دروهی صفویان)**، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: انتشارت جامی، ۱۳۸۴.

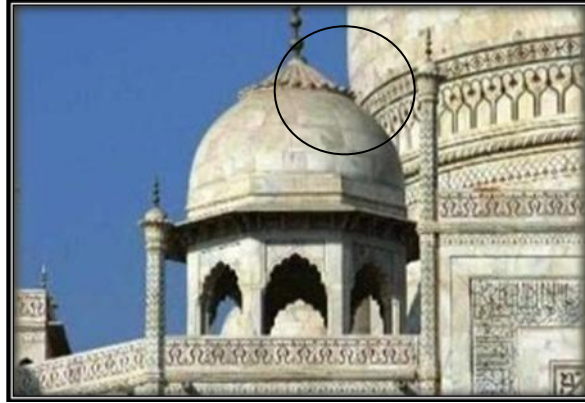
1-Alayi, Ali. "Kushke motabaq dar baghhaie iran." *golestan-e-honar Quartely Journal*, vol. 11, pp. 61- 75, 2008.

2-Ansari, Mojtaba, "bagh-e- irani: manzar-e- zaban-e- moshtarak Iran va hend". **Manzar publication**. vol. 13, pp. 6- 11, 2001.

3-Blair, Sheila S, and Janathan, M.Bloom. "**Honar va Mi'mārī-y Islami**", Translated to Persian by Ya'goob Azhand, Tehran, Samt publication, 2002.

- 4-Board of authors. “**tarikhe- iaran (dorey-e- Safavian)**”. Translated to Persian by Ya‘goob Azhand, Jami publication, 2004.
- 5-Conel, Ernest.**honar-e- eslami**. translated by hushing taheri, Toos publication, 1991.
- 6-Banister. “**memarie eslami**”. Translated by Samaneh Gharaei, Tehran: Moqaddas publication, 2009.
- 7-Gerobe, Ernest. “memari-e- jahan-e- islam: tarikh va mafhum ejtemaie an”.**Translated to Persian by Ya‘goob Azhand**. Tehran: Mola publication, 2000.
- 8-Heidarnataj, Vahid. “**bagh-e- irani**”. daftar-e- pajoheshhayeh farhangi, 2011.
- 9-Heravi abunasri, Ghasem-e-bn-e- yusef.“**Ershado zerae heravi**”. vol. 1, Tehran: amirkabir publication, 1977.
- 10-Jahangir Gurkani, Nur aldin Mohammad.“**Jahangirnameh**”.vol. 1, Tehran: Irani Cultural Foundation, 1980.
- 11- Kausar, Sajjad. “**mafhome manzarsazi dar doreye Mughal**”. translated by Azadeh Pashutanizadeh, ketab mah honar journal, pp 65-79, 2010.
- 12- Koch, Ebba.**memari hend dar dore Mughal**.Translated by Hosein Soltanzadeh, Tehran: darftar pajoheshhayeh farhangi, 1994.
- 13- Mahmoodi nejad, Hadi, Sadeghi, Mohammadreza.“**bagh-e- irani az manzar-e- behesht ghorani**”.Tehran: Tahan publication, 2009.
- 14- Navai, Kambiz, Haji ghasemi, Kambiz,khesht o khial: sharh-e-**memari eslami Iran**. Tehran: seda va simaye jomhori eslami iran publication, 2012.
- 15- Okhovat, Hanie. “**bayane ab dar memari-e- manzar**”.Tehran: Tahan publication, 2013.
- 16- Papadopoulos, Alexander.“**memari eslami**”.Translated by Heshmat Jozii, Tehran: markaze nashre farhangi raja, 1389.
- 17- Pope, Arthur upham. “**seiri dar honar-e- Iran az doran-e- pish az tarikh ta emruz**”.Translated by Najaf Daryabandi, vol. 3, Tehran: elmi- farhangi publication, 2008.

- 18-Pourjafar, Mohammadreza, Barresi-e- rishe ham nahadi-e- **honar memari mantaghe Iran va hend**.farhangestan honar journal, vol. 21. pp. 75- 88. 2004.
- 19-Rezapour, Leila. “**naqsh-e-sotuhe[sakht dar manzarehpardazihay-e- baghmanzarehay-e- irani-e- hend**” honar va tamadon-e- sharq journal, vol. 3. 2014.
- 20- Rezvan ahmadi, Payam va Shirazi, Ali asghar. “**baessie naqshe derakht dar qalihaye Iran va Hindustan**”. Negareh Quartely Journal, vol 19, pp. 43- 58, 2012.
- 21-Schimmel, Annemarie.**dar ghalamroe khanan**. Translated by Ali Farahi, Tehran: Amirkabir publication, 2007.
- 22-Shahcheraghi, Azadeh. “**paradaimhaie pardis (daramadi bar bazshenasi va bazafarini-e- bagh-e- irani)**”.Tehran: jahad daneshgahi publication, 2011.
- 23-Siouri, Rager.“**Iran-e- asr-e- Safavi**”.Translated by Kambiz Azizi, Tehran: Markaz publication, 1993.
- 24-Soltanzadeh, Hosein, “**tadavom tarahi-e- bagh-e- irani dar Taj mahal: aramgahe banuye irani tabar**”.Tehran: daftare pajuheshhaye farhangi, 2000.
- 25-TavernierJean-Baptiste.“**safarnameh Tavernier**”.Translated by Hamid Shirani, Tehran: Niloufar publication, 2004.



تصویر شماره ۱: گل لوتوس بر روی گنبد تاج محل (مأخذ: www.archnet.org)



تصویر شماره ۲: معماری کوشک هندی بر اساس چادر (مأخذ: www.archnet.org)